



۲۰۱۶/۰۴/۲۶



ملالی موسی نظام

به مناسبت دو سیاهروز هفت و هشت ثور قادر، خانی از کودتاجیان ۷ ثور و قدرمندی دولت افغانستان

نوت:

این مضمون در مورد هفت و هشت ثور و تقبیح جنایات بشری آن دوران های خون و آتش در آستانه سالگرد آن حوادث بد فرجام در سال ۲۰۱۴ تحریر یافته است که البته انتخابات ریاست جمهوری هم در آستانه رویراه شدن بود که متأسفانه به درازا کشید.

اخیراً خبر فوت یک تن از کودتاجیان بنام «جنرال قادر» که در هردو کودتای بعد از سقوط رژیم شاهی در افغانستان دست بالا داشته و بدون کدام ترس و واهمه در شهر کابل زندگی می نمود، در جرائد به نشر رسید که گویا از قضاء، در شفاخانه عسکری مرحوم «محمد داود» چشم از دنیایی که خود آنرا به خون و آتش کشیده بود، می بندد.

با وجود ناکامی سردمداران کودتای منحوس «۷ ثور ۱۳۵۷» و اخراج عساکر شکست خورده ابر قدرت وقت، اتحاد شوروی سابق از افغانستان و سرنگونی حکومت داکتر نجیب، آخرین دست نشانده آن رژیم سفاک، آنچه را که همه آنان با خیانت و جنایت به وطن و مردم آن، با فراهم آوری حالات دهشت آفرین خون و آتش در افغانستان عزیز فراهم ساختند، تا بحال این خاک و آن ملت لحظه ای نیاسوده است.

بعد از جنایت کاران ۷ ثوری نوبت به اشغالگران کابل در «۸ ثور ۱۳۷۲» رسید که با اعمال غیر بشری و مظالم استثنایی در حق هموطنان بی دفاع خویش، روی تاریخ را سیاه نمودند و راکت پرانی های مدھش «حکمتیار- مسعود»، دردا که موجبات قتل و شهادت ۶۵ هزار سکنه شهر تاریخی کابل را فراهم نمود.

امروز می بینیم که عدم وجود عدالت اجتماعی و عفو جنایتکاران جنگ های خانمانسوز افغانستان از جانب شخص اول مملکت، همه افرادی که به حکم تاریخ در سه و نیم دهه اخیر مصدر خیانت و جنایات آشکارا در مملکت گردیده اند، نه تنها به بازخواست و مجازاتی روبرو نشده اند، بلکه استثناء، قبل از همه مناصب و مقام های بلندی را هم در هر سه قوای دولت اشغال نموده اند. دردا که یکی دیگر از جریانات استثنایی در سرزمین ما همانا بزرگداشت و قدر و منزلت آنانی است که موجبات اشغال افغانستان عزیز را توسط اتحاد شوروی سابق با قتل یک و نیم میلیون مظلوم و آوارگی هفت میلیون مردم بیچاره افغانستان - با بی حساب معیوب آن، دقیقاً سبب گردیدند.

دیدیم که چند سال قبل زمانیکه محمد یونس قانونی وزیر داخله بود، با چه عدت و قدرمندی ای جنازه « محمود بریالی» از سابقه داران حزب پرچم و برادر « بربک کارمل» و داماد داکتر «اناهیتای راتب زاد»، همه پیش تازان «کودتای منحوس ثور» را تا مزار وی بدرقه نمود! حالا هم نوبت جناب رئیس جمهور و دستگاه وزارت دفاع وی است که از یک کودتاچی دیگری بنام «جنرال قادر» که با قدرت و امر وی هزاران بیگناه نیست و نابود شده و با اعمال جنایت کارانه او مملکت به آتش و خون مبدل گردید، قدر دانی نماید. جای افسوس است که دولت موجوده افغانستان همواره از رویداد های تاریخی انکار نموده و چشم دید و توقعات مردم را از حکومت شان برای تأمین عدالت، با قدرمندی از جنایتکاران وطنی، به اغماض و فراموشی می سپارد.

در مصاحبه « قادر» در ماه سپتمبر سال گذشته، وی به جرأت افتخار، روبراه نمودن «دو کودتا» در افغانستان را بر عهده گرفته و تأیید نمود که در کودتای « داود خان» و کودتای منحوس « ۷ ثور» هر دو دست بالا داشته است، یعنی که آنچه را ملت مظلوم افغان تا ایندم متحمل میگردد، حاصل کار روایی ها و شهکار های وی و همراهمان فروخته شده ای چون خود او بوده است. چه افتخار بزرگی در حیات یک افغان! میخوانیم که بی بی سی در شناسایی این کودتاچی خائن چه مینویسد:

((جنرال قادر در صبح گاه روز هفتم ثور ۱۳۵۷ پس از رهایی از چنگ سربازان طرفدار داوود خان که در عمارت فرماندهی توقیفش کرده بودند فرار کرد، سوار هلیکوپتر شد، فرماندهی کودتا را به عهده گرفت و دستور داد تا ارگ ریاست جمهوری را بمباران کنند. این بمباران مقاومت داود خان را که پنج سال قبل از آن به همکاری جنرال قادر و رفقای او در یک کودتای بدون خونریزی به قدرت رسیده بود، درهم شکست. رهبران حزب دموکراتیک خلق را که در زندان و در آستانه اعدام بودند، بر اریکه قدرت نشاند و به زعم خود "انقلاب دوران ساز" را اما به باور مخالفانش "کودتای دوران سوز" را پیروز کرد و خود وزیر دفاع شد.

نسل انتخاب:

حاصل کودتایی که در هفتم ثور ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و مقاومت و جهادی که در هشتم ثور ۱۳۷۲ شمسی پیروز شد، برای افغانستان ویرانی بود. از ویرانی تأسیسات عمومی گرفته تا ویرانی تابوها و سنت های سیاسی که راه را برای حرکت های دموکراتیک برای تغییر واقعاً بسته بودند.

کسانی که در این سالها در افغانستان متولد و بزرگ شده اند شاید بتوان گفت هیچ روی آرامی ندیدند. بمب هایی که به دستور جنرال قادر بر فرق نظام و سیستم سیاسی افغانستان ریخته شد، بعدها با راکت های مجاهدین و طالبان ادامه یافت و پس لرزه هایش هنوز ادامه دارد.

اما نسلی که در دوران کودتای ثور و جهاد و امارت اسلامی بزرگ شده اند، بیش از همه از این سه دوره گریزانند. شاهد این ادعا انتخابات شانزدهم حمل « سال ۲۰۱۴ – ازین قلم» امسال است)).

ملت افغانستان با اینکه با شهادت و تهور زیاد، خسته از بازی های سیاسی نافرجام سه و نیم دهه، به حوزه های انتخابی رفته به امید و آرزوی یک آینده روشن رأی دادند، ولی هربار که از یک خائن و جنایت کار جنگی به عوض باز خواست و محکمه، قدر دانی صورت می گیرد، آزرده و نا امید میگردند. امروز در افغانستان و خارج از آن میلیون ها افغان، جنایات بی مکافات آن فرزندان ناخلف وطن را که به خاک و مردم خود خیانت نموده اند،

به حکم تاریخ و منحصیث شاهدان عینی می شناسند، بیاد دارند و با درخواست عدالت منصفانه، آنان را نمی بخشند. این گروه و دسته عاملین جنگ های خصوصاً سردمداران اعصار خون و آتش « ۷ ثور و ۸ هشت ثور » میباشند. ملت دردمند افغانستان همان طور که درک و شهامت رفتن به حوزه های انتخابی را در خود دیدند، باید به یاد آورند که با وجود تخریب کاران، جنایتکاران و قدرتمندان روز های شوم « ۷ ثور و ۸ ثور » چون ترکی، ببرک، امین، نجیب، اناهیتای راتب زاد، ربانی، حکمتیار، مسعود، خلیلی، سیاف، حتی بعد تر عمال ملا عمر و بقیه که هر کدام با وابستگی به روس، پاکستان و ایران، خاک مقدس آنان را به آتش و خون کشیدند، افغانستان مملکت آنها و سرزمین پر افتخار آبایی آنان بوده و خواهد بود و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی این جایگاه مقدس به پاسداران اصیل آن که « ملت افغان » باشد متعلق میباشد. بنابراین، وظیفه هر فردی از افراد این خطه پاک است که در نگهداری این امانت ملی کوشا بوده و در برآورده شدن آمل « ملت افغان » برای بازگشت به صلح، امنیت و ایجاد یک باز سازی واقعی از هیچ اهمتامی دریغ نوززند.

امیدواریم در اشتراک به انتخاباتی که به دور دوم میرود، بکوشند به آن کاندیدی رأی ارزشمند خویش را تقدیم نمایند که سوابق خیانت و جنایت نداشته و برای ملت رنجور افغانستان صادق و وفادار باشد!

